

آشنایی با نسخه‌شناسان و متن پژوهان (۴)



پیشکش به

فابریسیو آنجلو پنناچی

ابراهیم شفیعی

در حالی که دانشمندان بزرگ دیگری از آن دیار در زمینه‌های دیگر ایران‌شناسی نیز گام برداشته‌اند. یکی از این افراد فابریسیو آنجلو پنناچی^۲ است که در ۱۴ دسامبر ۱۹۳۸م در شهر تورین ایتالیا زاده شد.

فابریسیوی جوان با به پایان رساندن دوره کارشناسی در سال ۱۹۶۳م در «مدرسه شرقی» (Scuola Orientale) دانشگاه رُم به تحصیلات خود در زبان‌های سامی در شهر مونیخ آلمان ادامه داد. در سال ۱۹۶۹م استاد سامی‌شناسی دانشکده ادبیات تورین و دانشکده زبان‌های ونیز شد، از سال ۱۹۷۶م پیش‌استاد تمام دانشکده زبان‌های ونیز و از سال ۱۹۷۹م تا سال ۲۰۰۸م استاد تمام دانشگاه مطالعات تورین بود.

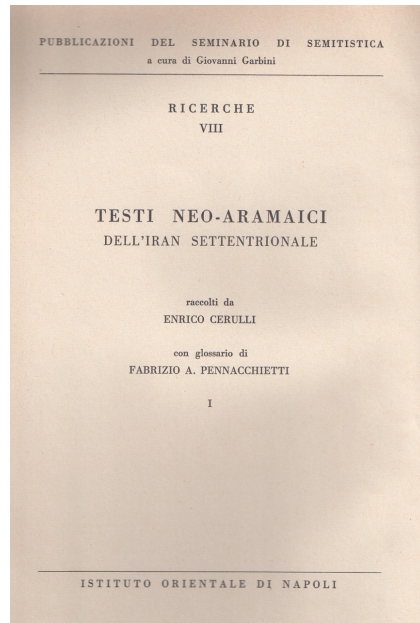
شوق فراوان فابریسیو او را واداشت تا افزون بر تحصیل در دانشگاه به فعالیت‌های باستان‌شناسی هم بپردازد و از این رو در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳م در کاوش‌های باستان‌شناسی مختلفی در ترکیه و مالت شرکت کرد و از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴م دبیر مؤسسه ایتالیایی-عراقی باستان‌شناسی

اگرچه ایرانیان با دانشمندان بزرگ ایران‌شناس ایتالیا آشنایی به نسبت خوبی دارند و ایران‌شناسی و مطالعات مربوط به ایران دست‌کم از نیمه دوم سده شانزدهم میلادی میان دانشمندان ایتالیایی پیوسته رواج داشته است^۱ اما شاید کمتر کسی در ایران با مطالعات مربوط به زبان‌های غیرایرانی مردم این سرزمین، به ویژه مطالعات زبان آرامی توسط دانشمندان ایتالیایی، آشنایی خوبی داشته باشد. حال آنکه سرآغاز یکی از مهم‌ترین دوره‌های روابط فرهنگی میان ایران و ایتالیا، اهداء نسخه‌ای از ترجمه فارسی انجیل، نوشته شده به سریانی، مشهور به دیاتسارون (Diatessaron) دانسته شده که در سال ۱۵۴۸م توسط استفان پنجم، بطریق کلیسای ارمنی در تبریز، به پاپ پل سوم در رُم تقدیم شده است.

از این رو شاید بتوان آشنایی ایرانیان با ایران‌شناسان ایتالیایی را بیشتر با دانشمندانی دانست که در سه زمینه مطالعات زرتشتی، اسلامی و ادبیات فارسی فعالیت کرده‌اند؛

۱. پیه‌مونته، آنجلو میکله (۱۳۷۱، مرداد و شهریور)، «ایران‌شناسی در ایتالیا»، ترجمه مرتضی اسعدی، نشر دانش، پیاپی ۷۱، ص ۳۰-۴۰.

2. Fabrizio Angelo PENNACCHIETTI.



بود. (l'Istituto Italo-iracheno di Archeologia)

پناکیتی عضو انجمن‌های علمی مختلفی بوده است؛ او از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱ م سردبیری مجله شرق باستان (*Oriens Antiquus*) را به عهده گرفت. در سال ۱۹۸۵ م یکی از بنیان‌گزاران مؤسسه بین‌المللی علوم سن مارینو بود و تا سال ۲۰۰۸ م ریاست آن را به عهده داشت. وی از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۹ م عضو آکادمی اسپرانتو و از سال ۱۹۷۶ م نیز رئیس مؤسسه ایتالیایی اسپرانتو بود.

اگرچه نخستین نوشته رسمی او در سال ۱۹۶۳ م با عنوان «سه کتیبه منتشر نشده مسیحی از هیراپولیس فریگیه»^۱ به چاپ رسید، اما نخستین کار او که با ایران پیوند دارد مروری بر کار شادروان بانو ایرینه گاربل (Irene GARBELL) درباره گویش آرامی نوی یهودیان آذربایجان ایران^۲ است که در سال ۱۹۶۷ م نگاشته شده. فابریتسیو با بیان چند نکته زبانی، اثر گاربل درباره این گویش (به قول او *liššan-it Targum* «زبان ترگوم») را یکی از کامل‌ترین آثار در زمینه گویش‌شناسی آرامی نو تا آن زمان می‌داند. این اثر زمینه کار خود فابریتسیو بر روی زبان آرامی نو در ایران شد و چه بسا به او این امکان را داد تا در سال ۱۹۷۱ م

1. "Tre Iscrizioni Cristiane Inedite di Hierapolis Frigia", *Rivista di Archeologia Cristiana*, 39 (1963), pp. 131-137.
2. Recensione a: Irene GARBELL *The Jewish Neo-Aramaic of Persian Azerbaijan. Linguistic Analysis and Folkloristic Texts*, The Hague 1965, in *AIUON*, 17 (1967), pp. 273-275.

اثر مشترکی با انریکو چرولی (Enrico CERULLI) به نام متون آرامی نو از شمال [غرب] ایران^۳ به چاپ برساند که کتابی ۱۴۰ صفحه‌ای در سه بخش است: الف. جملات کوتاه و ترجمه آن (ص ۱-۲۴)؛ ب. بخش متون شامل ۱۱ متن با دست نوشته شده، آوانویسی و ترجمه آن (ص ۲۵-۵۴)؛ ج. واژه‌نامه (ص ۵۵-۱۴۴) بر اساس ریشه سه حرفی. دو بخش نخست از چرولی و بخش پایانی از پناکیتی است.

کوشش گسترده و خستگی‌ناپذیر فابریتسیو برای دانستن موضوعات مختلف تاریخی، زبانی، فرهنگی و... از شرق، به‌ویژه از خاور میانه آغاز شده بود. چند سال پس از اثر پیش‌گفته، در ۱۹۷۶ م مقاله‌ای درباره چند شعر بومی آرامی نوبا عنوان «زمریات د. راوه: نواهای بومی یهودیان کردستان»^۴ به چاپ رساند؛ او در این نوشته، پس از یک مقدمه، به ترجمه و واژه‌شناسی این اشعار پرداخته است.

پناکیتی در سال ۱۹۸۶ م مقاله «نوشته دوزبانه یونانی-پارتی روی [پیکره] هرکول سلوکی (عراق)»^۵ را نوشت که در آن، این نوشته دوزبانه را ترجمه و بررسی کرد، اما به صورت کامل تر و به همراه چند تصویر در سال ۱۹۸۷ م در مجله بین‌النهرین به چاپ رساند.^۶ از نکات مهم این نوشته که از چیرگی و لخش بر مهرداد در میشان سخن می‌گوید، گزیدن برابر پارتی «ایزد بهرام» *Wahrām bay/ <wrtgrn 'LH'>* برای یونانی «خدای هرکول» *Ἡρακλέους θεοῦ* است.^۷

او در سال ۱۹۸۸ م در مقاله‌ای با عنوان «فعل آرامی نو و فعل

3. *Testi Neoaramaici dell'Iran Settentrionale*, Napoli, 1971: Istituto Universitario Orientale di Napoli.

4. "Zmiryata-d Rawe: 'Stornelli' Degli Aramei Kurdistan", *Scritti in Onore di Giuliano Bonfante*, Brescia, 1976: Paideia ed., pp. 639-663; e *Journal of the Assyrian Academic Society*, Chicago, Ill., I (1985-1986), pp. 39-44 (sezione in inglese), pp. 35-41 (sezione in neoaramaico).

5. "La Bilingue Greco-Partica sull'Eracle da Seleucia (Iraq)", *Atti del Sodalizio Glottologico Milanese*, 27 (1986), pp. 26-30.

6. "L'Inscrizione Bilingue Greco-Partica dell'Eracle di Seleucia", *Mesopotamia*, 22 (1987), pp. 139-185 + 2 tavv.

7. ادوارد لیپینسکی در مقاله‌ای احتمال آرامی بودن نوشته پارتی آن را بررسی کرد، اما به این نتیجه رسید که این یک نوشته پارتی با تأثیر پذیری بسیار از زبان آرامی است که احتمالاً در میشان رواج داشته است.

Edward LIPINSKI (1993) "L'Inscription de la Statue de Verethragna" In: SKALMOWSKI, W. & VAN TONGERLOO, A. (eds.), *Middle Iranian Studies: Proceedings of the International Symposium Organized by the Katholieke Universiteit Leuven from the 17th to the 20th of May 1982*. p. 134.

در همین سال با همکاری الساندرو ارنگو (Alessandro ORENKO) مقاله دیگری با عنوان «آرامی نو، ارمنی و کردی: زبان‌های در پیوند»^۸ نوشت که در آن به معرفی همراه با مثال برخی از ویژگی‌های مشترک صرفی، نحوی و واژگانی میان این زبان‌ها پرداخت؛ در این بررسی زبان فارسی نیز مورد توجه بوده است. در سال ۱۹۹۶م همان نوشته درباره شعر جمجمه عطار را به همراه هفت تصویر از یک نسخه خطی از آن (Mss. Or. P 45/7, fol. 139^v-142^v) منتشر کرد.^۹ در همین سال مقاله دیگری درباره کاربرد ضمیر معین d- در گویش آرامی نوری ارومیه به چاپ رساند^{۱۰} و با معرفی گونه‌های مختلف ساخت اضافی، به معرفی آن در این گویش پرداخت و به نظر می‌رسد تکمله‌ای بر کتاب او در سال ۱۹۶۸م باشد.^{۱۱}

پناکیتی در ادامه کار خود برای روشن کردن موقعیت‌های جغرافیایی، در سال ۱۹۹۷م با اشاره به متن سه‌زبانه شاهپور اول در کعبه زرتشت به بررسی جایگاه احتمالی بیت عربیة پرداخت.^{۱۲} مقاله او با عنوان «استرانگا، آموروس و سامباتیون: داستان‌های رودخانه‌های فصلی»^{۱۳} در سال ۱۹۹۹م دوباره به روشن کردن جای رود استرانگا در نوشته کالیستن دروغین می‌پردازد و آن را بارودگر در نزدیکی شیراز سنجیدنی می‌داند.^{۱۴}

→ (a. cura di), *Islam i Chrześcijaństwo. al-Islam wa-al- Masīhiya. Materiały Sympozjum Kraków*, 12-14 IV 1994, Kraków 1995, pp. 261-286 (Papięska Akademia Teologiczna w Krakowie, Biblioteka Ekumenii i Dialogu Tom 1).

8. "Neoaramaico, Curdo e Armeno: Lingue a Contatto", *Egitto e Vicino Oriente*, 18 (1995), pp. 221-233.
9. "Il Racconto di Giomgiomé di Faridoddin Attār e le sue Fonti Cristiane", *Orientalia Christiana Periodica*, 62/1 (1996), pp. 89-112, + 7 tavole.
10. "Il Pronome Determinativo d- e la Complementazione dell'Aggettivo nel Neoaramaico di Urmia", *Israel Oriental Studies*, 16 (1996), pp. 71-84.
11. *Studi sui Pronomi Determinativi Semitici*, Napoli, 1968, 164 pp. (Pubblicazioni del Seminario di Semitistica, Ricerche IV, Istituto Orientale di Napoli).
12. "Una Fortezza Romana di Frontiera Nella Siria Orientale: byrt 'rwpn - Castellum Arabionis - Tell 'Arbān", *Rendiconti Morali dell'Accademia Nazionale dei Lincei*, s. 9, v. 8 (1997), pp. 749- 762.
13. "Stranga, Ammorus e Sambatiōn: Storie di Fiumi Intermittenti", *Rivista di Studi Orientali*, 72 (1998), pp. 23-40 (in Ida Regalia - Arnaldo BAGNASCO, L'esperienza della modernità. Scritti in onore di Anna ANFOSSI, Milano, 1999: Franco Angeli, pp. 95-112).

۱۴. برای آگاهی از نظرات متفاوت درباره برخی از نکات جغرافیایی مورد اشاره پناکیتی نک:

I. GARDNER, "Mani's Last Days", in: I. GARDNER et al., eds., *Mani at the Court of the Persian Kings: Studies on the Chester Beatty Kephalaia Codex*, Leiden, 2015c, pp. 159-208.

ایرانی نو»^۱ به مقایسه فعل در زبان‌های فارسی و کردی با آرامی نو و به ویژه ساخت کُنایی -qtıl I- برگرفته از manā krtam پارسی باستان می‌پردازد. دو مقاله دیگر او در همان سال «اکتا آرخلای و سفر مانی در بیت عربیة»^۲ و «سه یادداشت بر کتیبه‌های هترا»^۳ هستند. در مقاله نخست، خوانش یوزف مارکوارت (Josef MARKWART) از رود سترانگا Στράγγαν ποταμόν اسکندرنامه کالیستن دروغین به گونه ارنگ *Ἀράγγα را خطایی در خوانش واژه ایرانی زرنگ *Σράγγα دانست، با این توضیح که خوشه آغازی *σρ در یونانی نیست (قس. BRUNNER, جغرافیایی اینچنینی، بر این باور بود که اکتا آرخلای یک متن داستانی یا افسانه‌ای نیست، بلکه در بردارنده گواهی‌هایی است که در گزارش از یک متن اصلی ایرانی در اثر ناآشنایی مترجمان دچار دگرگونی شده است.^۴ در مقاله دوم با بررسی چند کلمه و فعل در کتیبه‌های آرامی هترا خوانشی نواز آنها ارائه کرده است. پناکیتی در سال ۱۹۹۱م دو مقاله در پیوند با زبان کردی، با عنوان‌های «ساخت‌های فعل ربطی جعلی در سامی جنوب شرقی و کردی شمالی»^۵ و «نسخه آرامی نواز یک شعر مذهبی کلدانی در زبان کردی»^۶ به چاپ رساند. او در سال ۱۹۹۵م به ترجمه و گزارش ابیاتی از عطار در مقاله‌ای با عنوان «پیشینه مسیحی داستان جمجمه؛ شعری از فریدالدین عطار»^۷ پرداخت.

1. "Verbo Neo-Aramaico e Verbo Neo-Iranico", in V. ORIOLES (a cura di), *Tipologie della convergenza linguistica. Atti del Convegno della Società Italiana di Glottologia. Bergamo 17-19 Dicembre 1987*, Pisa 1988: Giardini Editori e Stampatori, pp. 93-110.
2. "Gli Acta Archelai e il Viaggio di Mani nel Bêt 'Arbâyé", *Rivista di Storia e Letteratura Religiosa*, 24 (1988), pp. 503-514.
3. "Tre Note di Epigrafia Hatrena", *Mesopotamia*, 23 (1988), pp. 43-64+ una tavola (Citato in Ted KAIZER, "Capital Punishment at Hatra: Gods, Magistrates and Laws in the Roman-Parthian Period", *Iraq*, 68 (2006), pp. 139-153).
4. Krzysztof NAWOTKA (2017) *The Alexander Romance by Ps. -Callisthenes: A Historical Commentary*, Brill. p. 170.
5. "Le Forme Verbali Pseudo-Relative nel Semitico Sudoccidentale e nel Curdo Settentrionale" in: A. LOPRIENO (a cura di), *Atti della Quinta Giornata Comparatistica, Perugia 13 marzo 1989*, Perugia 1991 (Università di Perugia, Dipartimento di Linguistica e Filologia Romanza), pp. 158- 174.
6. "La Versione Neoaramaica di un Poema Religioso Caldeo in Lingua Curda", in Biancamaria SCARCIA AMORETTI- Lucia ROSTAGNO (a cura di), *Yâd-Nâma in Memoria di Alessandro Bausani*, Roma, 1991: Bardi Editore, Vol. II, pp. 169-183.
7. "Gli Antecedenti Cristiani de Il Racconto di Giomgiomé, un Poemetto Escatologico di Faridoddin Attār (1119-1230)", in: A. ZABORSKI

موضوع مجموعه از یک سو و به زبان اسپرانتو از سوی دیگر باعث شد تا در سال ۲۰۱۴م شعر مجموعه عطار را به زبان اسپرانتو ترجمه و شرح کند.^۷

پناکییتی در زمانه‌ای زیسته است که استادان نامی ایران‌شناسی در ایتالیا کارهای بسیار ماندگاری انجام داده‌اند، از این رو چندان عجیب نیست که دوستی و پیوند او با این افراد در آثار خود او و شاگردانش بازتاب داشته باشد. او در طول زندگی پربار خود شاگردان بسیاری پرورده است که از جمله برجسته‌ترین ایشان می‌توان از پیر جورجو برونه (Pier Giorgio BORBONE) استاد دانشگاه پیزا، الساندرو منگوتزی (Alessandro MENGOZZI) استاد دانشگاه تورین و مارکو موریچی (Marco MORIGGI) استاد دانشگاه کاتانیا نام برد.

نخستین جشن‌نامه تقدیم‌شده به پناکییتی با نام گویاشده به زبان‌ها (Loquentes linguis^۸) هدیه‌ای از سوی شاگردان، همکاران و دوستانش به مناسبت زادروز ۶۸ سالگی اوست. درونمایه این جشن‌نامه در واقع نشان‌دهنده علائق مطالعاتی خود استاد است و از این رو همانطور که انتظار می‌رود در میان مقالات این کتاب، چند مقاله نیز در مورد فارسی‌باستان، فارسی‌میانه، حافظ، زبان کردی و... یافت می‌شود. دومین جشن‌نامه تقدیمی به او نیز از سوی دانشگاه تورین با عنوان «مقالاتی به افتخار فابریسیو پنناچییتی» (Essays in honor of Fabrizio Pennacchietti) در سال ۲۰۰۸م به چاپ رسیده است.

بدیهی است که آنچه گفته شده تنها بخشی از ۱۷۰ کتاب و مقاله این دانشمند بزرگ و محبوب ایتالیایی است که در پیوند با ایران و ایران‌شناسی به چاپ رسیده است و می‌توان افزون بر کتاب‌شناسی، همه مقالات یادشده در اینجا را در وبگاه وی به دست آورد:

<http://www.fapennacchietti.it>

7. "La Rakonto de Sultano Ĝomgom", *Literatura Foiro, Kultura Revuo en Esperanto, Organo de Esperanta PEN-Centro*, jaro 45, aprilo 2014, n-ro 268, pp. 73-77.

۸. گزاره‌ای از ترجمه لاتینی ولگات عهد جدید: «زیرا که ایشان را شنیدند که به زبان‌ها متکلم شده، خدا را تمجید می‌کردند». اعمال رسولان ۱۰: ۴۶

Vulgate, Actus Apostolorum X: 46 "Audiebant enim illos loquentes linguis, et magnificentes Deum".

مقاله «قندقور: یک تک‌آمد سریانی میان زبان‌شناسی و باستان‌شناسی»^۱ بررسی ریشه‌شناختی واژه سریانی qwndqwr است و پناکییتی آن را برگرفته از فارسی میانه *kondāk-āwar دانسته که جزء نخست آن وام‌واژه یونانی ΚΟΝΤΑΚΙΟΝ به معنی «عصا، چوبدستی» است^۲؛ او میان این واژه و نگاره‌های چوب‌به‌دست مردان در آبادانای تخت جمشید پیوندی می‌داند. این واژه در فارسی نودست‌کم به دو گونه گندآور و کنداگر ثبت شده است.

پناکییتی در مقاله «گریگور روشنگر و شاه مجموعه»^۳ در سال ۲۰۰۰م باز به موضوع داستان مجموعه پرداخته و این بار در پی یافتن آن در دیگر آثار بوده است و در پایان نشان داده که این داستان در بافت‌های گوناگون در شرق به جا مانده است. در مقاله «نگاهی به اصطلاحات عربی، ترکی و فارسی تبدیل‌شده به لاتین یا ضبط‌شده در متون اولیه»^۴ در سال ۲۰۰۱م به بررسی ضبط اسامی در چند متن از جمله سفرنامه پیترو دلاواله پرداخته است. مقاله او در سال ۲۰۰۳م با عنوان «آینه»^۵ افزون بر ریشه‌شناسی این واژه به کاربرد آن در معماری ایرانی می‌پردازد.

او در سال ۲۰۰۷م در مقاله‌ای^۶ به ریشه‌شناسی یک واژه به معنای چتر یا سایبان در زبان‌های اروپایی پرداخته و واژه فارسی فشک را با آن هم‌ریشه دانسته است. علاقه او به

1. "Qundaqor: un Hapax Siriaco tra Filologia e Archeologia", in: Marcello LAMBERTI - Livia TONELLI (eds.), *Afroasiatica Tergestina. Papers from the 9th Italian Meeting of Afro-Asiatic (Hamito-Semitic) Linguistics*, Trieste, April 23-24, 1998, Padova 1999: Unipress, pp. 71-82, + 3 tavv.

2. Claudia A. CIANCAGLINI, *Iranian Loanwords in Syriac* (Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag, 2008), p. 247.

3. "S. Gregorio l'Illuminatore e il re Jumjum", *Miscellanea Elena Metreveli*, in *Studi sull'Oriente Cristiano*, 4/2 (2000), pp. 119-138 (Accademia Angelica-Costantiniana di Lettere Arti e Scienze, Roma).

4. "Osservazioni sui Termini Arabi, Turchi e Persiani Resi in Caratteri Latini o Registrati in Scrittura Originale", in: Antonio INVERNIZZI (a cura di), Pietro DELLA VALLE, *In Viaggio per l'Oriente. Le Mummie, Babilonia, Persepoli*, Alessandria, 2001: Edizioni dell'Orso, pp. 259-270.

5. "Ayné 'specchio'", in: Sergio JARETTI (a cura di.), *Shishé Mahal / Ayné Kari: colori luci riflessi del mosaico di specchio nell'architettura d'Oriente (Colour light reflections in mirror mosaic of Orient Architecture)*, Quaderni del Pensatoio n 35, Torino, maggio 2003: CELID, pp. 48-50, + 3 tavv.

6. "Il Fuscicco, la Fusciccia e l'Ombrellino Persiano", in: Marco Moriggi (a cura di), *XII Incontro Italiano di Linguistica Camito-Semitaica (Afroasiatica)*, Ragusa, 6-9 giugno 2005, Soveria MANNELLI (CZ) 2007: Rubbettino, pp. 99-103.

او به فارسی چنان است که در نخستین روزهای آشنایی برای
 من نوشت:
 دوست دارم برایم به فارسی بنویسید، زبانی که می‌کوشم در
 کهن‌سالی بیاموزم. من آن را بسیار دوست دارم.

اگرچه پناکیتی در وبگاه خود تقریباً تنها به زبان‌هایی
 نوشته است که به آنها مقاله دارد (مانند ایتالیایی، انگلیسی، اسپرانتو
 و آشوری) اما به زبان‌های دیگری مانند فارسی، کردی، عربی،
 عبری، یونانی، لاتین و ترکی نیز آشنایی دارد. با این همه شوق

بیتی از شعر جمجمه‌عطار و ترجمه ایتالیایی و اسپرانتو از پناکیتی

کور بودی تو که صنع کردگار؟
 می‌ندیدی رب خود را آشکار؟

اسپرانتو

Ĉu trafis vin blindeco, kreaĵ' de l'Di 'potenca?
 Ĉu la verkar' de Dio ne estas evidenta?

ایتالیایی

La vista ti mancava, o misera creatura?
 Nel mondo non vedesti la traccia del tuo Dio?

